

بِسْمِ تَعَالَى شَانِه

محرر الكرامات

چكیده :

كرامات و معجزات پیامبر مكرم اسلام حضرت محمد مصطفى (صلى الله عليه وآله) و خاندان مكرم (عليهم السلام) را كه به علت عداوت بدخواهان و حسودان در حال زوال و نابودى بود با تلاش بسيار فقيه نامى ، محدث موثق جليل امامى و متكلم شهير، مرحوم ابوالحسن سيعد ابن عبدالله ابن هبة الله راوندى كه ايشان را با عنوان قطب الدين راوندى ميشناسيم در كتاب الخرائج و الجرائح جمع آورى نمودند .
مولى بزرگ و شهير اين كتاب هر چند كه به گفته افرادى شهرتش را از اين كتاب دارد اما او صاحب كتبى بسيار عالمانه تر هست كه متاسفانه در گرد و غبار غفلت تاريخ محو شده است ، همچنين ايشان بنا بر اقوالى اولين نفرى هستند كه كتاب نهج البلاغه را كه خود با سه واسطه از مرحوم سيد جليل ، شريف رضى روايت ميكنند را شرح کرده اند و در كتاب شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد معتزلى هم بسيار از اين كتاب ياد شده است چيزى در حدود ۳۳۰ مرتبه .

مقدمه:

مدتی است که مطلبی شیعیان جهان را به حیرت داورده است و به قدری این مطلب تعجب برانگیز است که حتی بیان آن تا به محافل علمی و بیان علمای بزرگ اسلامی هم رسیده است و آن اینکه بهترین شخصی که در جهان امام باقر علیه السلام امام پنجم شیعیان را از همه بهتر می شناسد و به زندگی نامه آن بزرگوار تسلط کامل دارد یک زن صهیونیستی است ، چند روز گذشته یکی از فضیلاى حوزه که بعد از طلبگی در یکی از دانشگاه های انگلستان تحصیل کرده بود و تا مقطع دکتری پیش رفته بودند میفرمودن که وقتی که ما فارغ التحصیل شدیم برای مدرک فوق دکتری یک سری موضوعات را برای انتخاب گذاشته بودند و در میان آنها موضوعاتی از قبیل زندگی نامه های بزرگان تشیع همچون جناب سید ابن طاوس قرار داشت ، این مطلب سیلی محکمی بود بر صورت ما تا ما را از خواب غفلت بیدار کند ، در دانشگاه های انگلستان در زندگی بزرگان ما تفحص میکنند تا به واسطه آن اطلاعات شیعه را نابود کنند ، اینجانب با پیشنهاد استاد گرانقدر استاد حمیدیه (حفظه الله) شروع به پژوهش پیرامون زندگی نامه یکی از بزرگان شیعه که در بین غبار تاریخ پنهان شده اند را شروع کردم ، بارها قبل از این بر سر مزار ایشان مشرف شده بودم و برای شادی روح ایشان حمد و سوره ای تلاوت کردم اما امروز پس از انجام این تحقیقات کوتاه و مختصر متوجه شدم که بر سر مزار فقیهی فرزانه ، محدثی موثق ، ادیبی توانا و عالمی جلیل القدر پای میگذاشتم و همین طور است مزار دیگر علما بر سر مزارشان میرویم و فاتحه ای میخوانیم بی خبر از این که چه راد مردی اینجا در لابلای خاک خفته است ، هرچند که بنا به گفته مولی الموحدین امیر المومنین (علیه افضل صلوات المصلین) علما زنده اند حتی اگر مرده باشند (حضرت امیر علیه السلام ، ۶۰: ۱۴۱۰) در ادامه انشالله بازندگی نامه این مرد الهی آشنا خواهیم شد ، ان شالله وجود نازنین حضرت مهدی روحی له الفدا از

این کار راضی باشند و خوشوند شوند اگر این پژوهش حسنه‌های را دارا باشد انرا هدیه میکنم
به محضر والده عالمه حکمیه ایشان حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها

پیشگفتار:

از زمانی که قهرمان توحید خانه کعبه را که ساخته شده به دست حضرت نوح(علی نبینا و آله وعلیه السلام) بود بازسازی کرد، درآمد مردم مکه رفته رفته از همان جا تامین میشد، شهر مکه یک شهر تماما مذهبی بود زیرا هر آنچه داشت از آن خانه داشت، این که آن شهر را مذهبی می نامیم با شهرهایی مثل مشهد و.... که هم اکنون آن دیار را پایتخت معنوی میدانند متفاوت بود، مردم مکه از آنجا که همه چیزشان از همین کعبه بود به کعبه و حرم ارادت خاصی داشتند و این مختص مردم مکه نبود بلکه اعراب در طی سال از جای جای مختلف به قصد حج بدان جا سفر میکردند، بگذریم که دیگر آنجا رفته رفته بوی شرک بت پرستی به خود گرفت، اما نکته این جاست که با ورود بتان به حرم ارادت مردم نسبت کعبه کم نشد، جهت بیان این مطالب به نمایش کشیدن محبت و اردت خاصی بود که مکیان علی الخصوص قریش بعد از عام الفیل نسبت به کعبه داشتند، در این میان به یکباره در قریش پیچید که علی فرزند عبدالمطلب(علیهما السلام) در کعبه به دنیا آمده است، این از همان زمان باعث شد تا حسد و کینه علی (علیه السلام) در دل بسیاری از اهل قریش بیفتد، یعنی از زمان قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، از ماجرا گذشت تا شبی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به پیامبری مبعوث گردیدند، ایشان وظیفه داشتند با تمام سختی ها افراد را به صورت مخفی به آیین اسلام دعوت کنند در این میان اولین مردی که به ایشان ایمان آورد همان علی امیر المؤمنین علیه السلام بود، پیامبر حدود سه سال به این دعوت مخفیانه ادامه دادند تا وحی بر ایشان نازل شد و دستور خدا را ابلاغ کرد «و انذر عشیرتک الاقربین» (۲۱۴، شعرا) بنا به همین دستور ایشان مهمانی ترتیب دادند و از بزرگان بنی هاشم دعوت کردند و ضیافتی برپا شد در جلسه اول به خاطر لهُو

گویی های ابولهب مجلس ظرفیت خود را از دست داد و حضرت میهمانی دیگری تدارک دیدند که در آن پس از اتمام ضیافت حضرت شروع به سخن گفتن کردند و انتهای سخنانشان فرمودند که آیا کسی هست مرا پشتیبانی کند تا برادر وصی و جانشین من باشد؟ امیر المومنین (علیه افضل صلوات المصلین) برخاستند و ایمان خود را ابراز داشتند حضرت دو مرتبه دیگر تمام سخنان را تکرار کردند و در هر بار در انتهای خطبشان همین سوال را پرسیدند و علی (علیه السلام) نیز همان رفتار را کردند، بعد از بار سوم حضرت فرمودند علی (علیه افضل صلوات المصلین) برادر من وصی و جانشین من است و از او تبعیت کنید، این پیشگفتار را نوشتم تا به این قسمت از مطلب برسم و آن اینکه دین خدا از آنجا که محل امتحان و آزمایش بندگان است طوری طراحی شده است که بتواند به ایمان افراد را به منصفه ظهور بکشانند، از همان دعوت ابتدایی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اینطور رفتار کردند که هر کس به من ایمان بیاورد باید از علی (علیه السلام) جوان پانزده یا سیزده ساله تبعیت کند این بود که شعله حسد در سراسر وجود برخی از آنان ار گرفت، از همان ابتدا دشمنی با علی (علیه السلام) آغاز شد و این حسد کار خود را کرد تا رفته رفته علی و اولادش (علیهم السلام) که بهترین بندگان خدا روی زمین بعد از پیامبرش (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند در غربت و مظلومیت قرار بگیرند و مردم از سخنان و رهنمود های ایشان بی بهره باشند، اما خدای تعالی بر ما منت نهاد تا بوسیله شاگردان ایشان که همان علما و وارثان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند مطالب ایشان به ما برسد و از آن بی بهره نباشیم در این بین علما با تلاش شبانه روزیشان سعی کردند تا از احادیث و روایات و اخبار اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) این میراث گرانبها حفظ و مراقبت کنند و بنوشتن کتب و جمع آوری آنان به احیای آن علوم پردازند که در ادامه بایکی از این آثار گرانبها و فاخر و ارزشمند آشنا میشویم ان شاء الله تعالی

(متن این پیش گفتار اقتباس شده از کتاب فروغ ابدیت نوشته ایت الله العظمی سبحانی بو لازم به ذکر است طرح کلی این بحث توسط استاد پناهیان در سلسه جلسات تاریخ تحلیل اسلام ایشان صورت گرفته است)

معرفی اثر:

این اثر در قرن ششم هجری قمری به رشته تحریر در آمد است و به بیان معجزات و کرامات پیامبر آخر الزمان (صلی الله علیه و آله وسلم) و اولاد معصومشان (علیهم السلام) می پردازد که در چاپ های جدید به سه جلد رسیده است و در دهه هفتاد گزیده ترجمه آن با مترجمی آقای غلامسن محرمی با عنوان جلوه هایی از اعجاز معصومین (علیهم السلام) از دفتر انتشارات اسلامی در یک جلد حدود هشت صد و پنجاه صفحه ای به چاپ رسیده است (قطب الدین راوندی، محرمی، ۷: ۱۳۷۸)

وجه تسمیه:

مولف در ابتدای کتاب خود وجه تسمیه یا همان علت نامگذاری کتاب را اینطور بیان میکند که بدان علت نام الخرائج را بدان گذاشتم که معجزات از دستان این بزرگواران خارج میشد و جرح به معنای کسب است که ایشان صدق ادعای خود را به اینصورت کسب میکردند (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۱/ ۱۸؛ قطب الدین راوندی، محرمی ۷: ۱۳۷۸)

علت نگارش:

وی در مقدمه کتاب الخراج والجرائح، دغدغه خود را با نوشتن این روایت بیان می دارد:

شیخ ابو جعفر علی بن محمد بن المحسن الحلّی از شیخ طوسی از احمد ابن عبدون از علی ابن محمد قرشی از احمد ابن الحسین الملکی ازدی از حسن ابن محبوب از صفوان ابن یحی از امام کاظم علی السلام: اعظم الناس ذنبا و اکثر هم اثما علی لسان محمد: الطاعن علی عالم آل محمد والمکذب نطقهم والجاحد معجزاتهم بزرگترین گناه دسته گناهکار و بیشتر دسته از حیث فساد بر زبان محمد: طعنه زندگان آل محمّو تکذیب کننده سخنانشان و مبارزه کننده با معجزاتشان هستند (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۱/۱۷) البته در این کتاب به علت وجود دیگر نسخه ها شکی از طرف مصحح بود که لفظ طاعن صحیح است یا الراد که ما با مراجعه به کتاب اثبات الهداء والنصوص المعجزات که همین روایت را از ایشان نقل کرده بود لفظ را طاعن یافتیم (حر عاملی ۱۳۶۴: ۱/۲۵۹)

یک اشکال اساسی:

یک مطلبی در علم کلام امروزی که در حوزه علمیه تدریس میشود معجزه را درای شرایطی میدانند از جمله:

- شخص باید ادعای نبوت داشته باشد
- معجزه مطابق با مدعا باشد و خلاف آن نباشد
- باید با نیروی الهی باشد
- باید خارق عادت باشد و دیگران نتوانند آنرا انجام دهند
- مقرون به تحدی باشد

پس در نتیجه با توجه به این مطالب نام گذاری مولف گرانقدر که کرمات وارد شده از اهل بیت علیهم السلام را معجزه نامیده است صحیح نیست

برخی از علما به جای شرط ادعای نبوت شرط ادعای یکی از مناصب الهی را میدانند از جمله آیت الله خویی در البیان فی تفسیر القرآن اما برخی از علما مخصوصا علمای عامه آن را خاص پیامبران الهی میدانند

(سیوطی ۱۳۹۸ق: ۲/۱۲۸؛ خویی ۱۴۳۰: ۳۲؛ عبدالجبار ۱۳۸۵ ق: ۱۵/۱۹۷؛ طباطبایی ۱۴۰۳: ۱/۷۳)

اما با تمام این ها ذکر دو مطلب در پاسخ به این شبهه لازم است:

۱. پس از مراجعه به کتب کلامی و علوم قرآنی از بزرگان اهل تشیع و عامه به این نتیجه رسیدم که شروط و تعارف از معجزه از علما هیچ کدام منتسب به معصوم نیست و به قول معروف هر کس از ظن خود شد یار من است و از طرفی خود نگارنده از فقها و محدثین بزرگ شیعه است پس ممکن است شرط نبوت در تعریف معجزه در نزد ایشان مطرح نباشد.

۲. در ثانی ایشان در مقدمه کتاب میفرمایند که معجزات اهل بیت علیهم السلام برای

اثبات نبوت سید المرسلین است (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۱/۱۸)

نگارنده:

نگارنده این اثر پر محتوا سعید نام دارد، کنیه او ابوالحسن و فرزند عبدالله بن هبه الله رواندی است که بسیار پیش می آید که او ار به جد خود یعنی جناب هبه الله نسبت میدهند

(قمی، ۱۴۲۵: ۲/۵۵۰؛ طهرانی ۱۳۹۲ق: ۶/۲۴؛ امین، ۱۴۰۳: ۸/۴۵۱) البته جناب افندی

اصبهانی در کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلا کنیه وی را ابوالحسین مینویسد (افندی

اصبهانی ۱۴۰۱: ۲/۴۱۹) که این با توجه به اینکه نام یکی از فرزندان او حسین است

صحیح تر می باشد البته بعید نیست که او فرزندی به نام حسن هم داشته باشد ولی نام او مذکور نباشد زیرا تا آنچه که مشاهده کردیم فقط از فرزندان عالم ایشان نام برده بودند

خانواده:

به شهادت کتب معتبر و اجازه نامه علما پدر و جد و سه فرزند او از علما و فضلا بوده اند

(قمی ۱۴۲۵: ۲/۵۵۰)

ایشان صاحب سه فرزند بودند با نام های:

عماد الدین علی

ابوالفضل ظهر الدین

شیخ امام شهید نصر الدین ابو عبدالله حسین که او در راه دین خدا به شهادت رسیده است (دوانی ۱۳۶۳: ۴۷۳) آغا بزرگ طهرانی صاحب کتاب شریف الذریعه مینویسد که نصر الدین و عماد الدین از او اجازخ نامه دارند که او خود آن ها را رویت کرده است البته صاحب ریاض العلماء هم این مطلب را یاد آور شده است (طهرانی، ۱۳۹۲ق: ۶/۱۲۴؛

افندی اصبهانی ۱۴۰۱: ۲/۴۱۹)

القاب و تخصص ها:

او محدث ، عالم متبحر ، فقیه ، مفسر، ادیب و ثقه ای جلیل بود (قمی، ۱۴۲۵: ۲/۵۵۰)

؛ طهرانی ۱۳۹۲ق: ۶/ ۲۴؛ امین، ۱۴۰۳: ۸/۴۵۱؛ افندی اصبهانی ۱۴۰۱: ۲/۴۱۹)

افرادى كه از ايشان روايت كرده است:

امين الاسلام

السيد المرتضى الرازى

برادرش السيد مجتبى

عماد الدين زبرى

ابن الشجرى

الامدى

والد المحقق الطوسى

الشيخ عبدالرحيم بغدادى معروف بابن الاخوة

فاضله جليئة بنت السيد مرتضى

سيد رضى (قمى ۱۴۲۵: ۲/۵۵۰)

ابو على فضل طبرسى مفسر

عماد الدين طبرى

محمد ابن ابى القاسم

على بن على بن عبدالصمد

برادرش محمد

برادران ابو جعفر و ابوالقاسم ابنا كميح

محمد ابن على بن المحسن الحلبى

ابوالنصر الغارى

محمد ابن مرزبان

حسن مودب قمى

حسن بن على ارابادى

حسن بن محمد حديقى

احمد ابن محمد بن علی المرشکی

هبة الله دعويدار

سید علی ابن ابی طالب السیقلی

مسعود ابن علی الصوانی

ذوالفقار بن محمد بن معبد

محمد ابن علی النیشابوری (طهرانی، ۱۳۹۲ق : ۶/۱۲۵)

اساتید:

آنچه در کتب کتابشناسی و اعلام شناسی آمده است دال بر این است که ایشان بیش از بیست شیخ و استاد داشته اند و به واسطه شاگرد شیخ اعظم حضرت مفید رحمه الله علیه

است (افندی اصبهانی ، ۱۴۰۱ : ۲/۴۱۹)

- سید ابو صمصام حسینی
- سید مرتضی و برادرش سید مجتبی رازی
- امین الدین طبرسی
- عماد الدین طبری
- ابو منصور ابن شهریار دیلمی
- السید ابی السعادات معروف به ابن شجری متوفی (۵۴۲)
- در روضات محمد ابن حسن طوسی پدر خواجه نصیر الدین را از جمله اساتید وی معرفی میکند حال آنکه پدر خواجه در طبقه شاگردان وی است

• (دوانی، ۱۳۶۳: ۳/۲۷۳؛ موسوی خوانساری ۱۳۹۱: ۴/۷؛ طهرانی، بی تا: ۷/۱۴۵)

شاگردان:

- ابن شهر آشوب مازندرانی
- شیخ منتخب الدین رازی
- احمد ابن عبدالجبار طبرسی
- محمد ابن حسن علوی بغدادی
- در کتاب امل الامال شهید ثانی را از شاگردان او دانسته اند زیرا او از مفاخر قرن ششم است و شهید ثانی متولد ۷۳۴ است
- بنده به کتاب امل الامال رجوع کردم ولی این مطلب را نیافتم

- عماد الدین ابوافرج علی بن سعید و
- ولده شیخ برهان الدین ابو الفضائل محمد بن علی
- شیخ ابو الفضل ظهیر الدین محمد
- الشیخ الامام الشهید نصیر الدین ابو عبد الله الحسین

(قمی، ۱۴۲۵: ۲/۵۵۰؛ طهرانی ۱۳۹۲ق: ۶/۲۴؛ امین، ۱۴۰۳: ۸/۴۵۱؛ افندی اصبهانی

۱۴۰۱: ۲/۴۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: ۵۵؛ طهرانی، ۱۳۹۲ق: ۶/۱۲۵؛ حر عاملی

۱۳۸۵ ق: مطلب در کتاب موجود نبود قسمت شهید ثانی ج ۱ ص ۸۵)

ویژگی آثار:

شیخ عباس قمی به نقل از شیخش محدث نوری اعلی الله مقامهما می نویسد که او دارای آثار بسیار نافع در علوم مختلف می باشد او صاحب طبعی لطیف است

(قمی، ۱۴۲۵ : ۲/۵۵۰)

آثار:

- کتب تفسیری:
 - خلاصه التفاسیر در ده جلد
 - تفسیر القرآن در دو جلد
 - الباب الاخبار (تفسیر آیه الكرسي)
- مرحوم افندی اصبهانی آن را در استر اباده مشاهده کرده است
 - اسباب النزول
 - ناسخ و منسوخ
 - کتاب تلخیص فصول عبدالوهاب فی تفسیر الایات و الروایات مع ضم الفوائد و الخبر من طرق الامامیه
- مرحوم اصبهانی گوید آن را در اردبیل مشاهده کرده است ولی در آن به نام مولف اشاره نشده است ولی مشهور است که برای جناب قطب است
- کتب فقهی و اصول فقهی وی:
 - المغنی در شرح نهائیه شیخ طوسی در ده جلد
 - الرايع در احکام و شرایع دو جلد بزرگ
 - رساله الفقها
 - شرح مایجوز و ما لایجوز من النهائیه
 - النیات فی جمیع العبادات
 - فقه القرآن

• تالیف شده در سال ۵۶۲

○ احکام الاحکام فی شرح آیات الاحکام

○ المستقصی (شرح الذریعة سید مرتضی)

○ شرح مشکلات نهاییه

• کتب حدیثی:

○ سلوة الحزین معروف به دعوات راوندی

○ ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الاخبار قاضی سلامه مصری متوفی ۵۵۳

• مرحوم افندی اصبهانی گوید این کتاب را در تهران مشاهده کردم و

در آن میل او را به تصوف یافتم زیرا کلام متصوفه را نقل کرده بود و

از طرفی ممکن است که این کتاب برای شیخ ابوالفتوح رازی باشد

○ القاب المعصومین

○ کتاب مزار

○ قصص الانبیا

○ شرح صد کلمه قصار مولی امیر المومنین

○ رساله ای در اصول احادیث شیعه و اثبات صحت آنها

• بنا به نوشته صاحب روضات این همان کتابی است که صاحب وسائل در

کتاب القضا بسیار از آن را در مقام چگونگی جمع بین اخبار متعارضه نقل

کرده است.

○ الخرائج و الجرائح

• این کتاب معروفترین کتاب اوست که او را با این نام می شناسند

• حال آنکه او کتبی بسیار قوی تر و پر محتوا تر از این نیز دارد

• او در این کتاب به صورت نقلی معجزات اهل بیت را مورد بررسی قرار

میدهد و بسیار کتاب محکم و متقنی است

• علامات النبى والائمة عليهم السلام

○ سید حسن مجتهد آن را در کاب دفع المناواة به ایشان نسبت داده

• شرح نهج البلاغه

○ صاحب رياض العلماء معتقد است که او اولین نفری بوده است که بر نهج البلاغه شرح نوشته است

○ اما علامه امینی در الغدير سه شرح دیگر را بر آن مقدم میدارد

○ مرحوم افندی اصبهانی گوید یک نسخه ای از آن کتاب را در درستر آباد مشاهده کرده است که واقعا عتیقه (فرسوده بوده است)

○ ابن ابی الحدید معتزلی در شرح بسیار معروف خود بر نهج البلاغه بالغ بر ۲۰۰ مرتبه از وی نام می برد

• کتب ادبی

○ التعزيب في التعريب

○ الاعزاب في الاعراب

○ شرح عوامل صد گانه

○ نقشه الصدور که دیوان شعر او را به زبان عربی است

○ زهر المباحث

○ ثمر المناقشه

○ جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام

• فلسفه

○ کتاب تهافت الفلاسفه

• تهافت به معنای تناقض است

• در این کتاب تناقض بین سخنان فلاسفه را بررسی کردند

• این نشان دهنده آن است که در حکمت و فلسفه نیز او سر آمد بود هاست

• کتب کلامی:

○ رساله ای در باب مسائل اختلافی بین سید مرتضی و شیخ مفید رحمت الله

عليهما

• در آن حدود ۹۵ مساله را ذکر کرده است

• ان کتاب را سید ابن طاوس در باب ذم علم کلام در کتاب کشف

المحجه خود به قطب لدین راوندی نسبت میدهد

• کتب اخلاقی:

◦ کتاب مکارم الخلاق

• مرحوم افندی اصبهانی گوید به نظر ایشان این اشتباه است زیرا این

کتاب برای پسر شیخ طبرسی است (اما با این حال تعدادی اون کتاب

را به ایشان نسبت دادند

◦

(قمی، ۱۴۲۵ : ۲/۵۵۰؛ طهرانی ۱۳۹۲ق : ۶/ ۲۴؛ امین، ۱۴۰۳ : ۸/۴۵۱؛ افندی اصبهانی ۱۴۰۱

: ۲/۴۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق : ۵۵؛ طهرانی، ۱۳۹۲ق : ۶/۱۲۵؛ دوانی ۱۳۶۳ : ۳/

۲۷۳؛ سید ابن طاوس ۶۴:۱۳۷۵، ابن ابی الحدید ۱۴۱۰ (در جاهای مختلفی از کتاب خود از

او نام می برد)

محل زندگی:

راوند قریه ای است در نواحی اصفهان

برخی میگویند آن متولد لاوند در نیشابور است

شیخ بهایی در حواشی منتخب الدین در : او اهل راوند از توابع کاشان است

(افندی اصبهانی ۱۴۰۱ : ۲/۴۱۹)

وفات:

برای وفات ایشان چهار زمان منقول:

• ۴ سوال ۵۷۳

• ۱۳ سوال ۵۷۳

• ۱۴ سوال ۵۷۳

• سال ۵۴۸

○ نظریه اول مطلبی است که در کتاب الکنی والاقاب مرحوم شیخ عباس قمی است که آنرا به نقل از کتاب بحار الانوار می آورد، اما قول سوم در بحار الانوار موجود است با توجه به رجوع به دیگر نسخ چاپی موجود در دست از هردو کتاب به نتیجه رسیدیم که یا جناب شیخ اشتباه نقل کرده است یا مصححین آنرا اشتباه بیان کردند

○ نظر دوم مربوط به ابن حجر عسقلانی است

○ نظر آخر مربوط به کتاب وفيات العملما است و ایراد جدی به آن است در این کتاب تاریخ فوت وی را ۵۴۸ میگویند و در عنوان مینویسد وفات هبة الله راوندی و بعد حدود یک صفحه و نیم از زندگانی جناب قطب الدین راوندی میگویند، به نظر میرسد که ایشان دچار اشتباه شده باشند زیرا از منابع معتبر فوت ایشان در

سال ۵۷۳ هجری یم باشد (قمی، ۱۴۲۵: ۲/۵۵۰؛ مجلسی ۱۴۰۳: ۱۹/۱۰۴؛ طهرانی

۱۳۹۲ق: ۶/ ۲۴؛ افندی اصبهانی ۱۴۰۱: ۲/۴۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: ۵۵

؛ طهرانی، ۱۳۹۲ق: ۶/۱۲۵؛ دوانی ۱۳۶۳: ۳/ ۲۷۳؛ جلالی شاهروی ۱۴۰۰ق: ۳۲)

محل دفن:

محل دفن وی را برخی در روستای خسرو شاه در نواحی تبیریز میدانند که صاحب ریاض
مینویسد که به آنجا رفته و آن قبره در بین اهالی به قبر قزب الدین راوندی مشهور بوده ار
زیارت کرده و بعید نیست که قبر آنجا باشد و قبر دیگر در صحن حرم حضرت فاطمه
معصومه سلام الله علیها قبر فضل الله راوندی یا یکی از فرزندان قزب یا ایشان یا پدر یا جد
ایشان باشد (افندی اصبهانی ۱۴۰۱: ۴۱۲/۲)



کتاب الخرائج و الجرائح که در آن به بیان معجزات و کرامات اهل بیت علیهم السلام می
پردازند طبق نقل های معتبری تعلق دارد به مرحوم ابوالحسن ساعد ابن عبدالله ابن هبه الله
راوندی که ایشان را با عنوان قطب الدین راوندی میشناسیم ، در برخی نقل های ضعیف این
کتاب را به جد بزرگوار ایشان که او هم از علما و فضلا زمانه خویش بوده است یعنی جناب

هبة الله راوندی نسبت میدهند ، لازم به ذکر است که پدر و جد و فرزندان و همچنین از نوادگان ایشان از علما و فضلا بوده اند ، این عالم بزرگوار که محدثی موثق و امامی و متکلمی شهیر و فقیهی متبحر بوده است سر انجام در ۱۴ شوال ۵۷۳ هجری قمری رحلت کرده است و او را در قم و در جوار حضرت فاطمه معصومه (روحی لها فدا) دفن کرده اند که هم اکنون قبر ایشان واقع در صحن امام رضا علیه السلام (اتابکی سابق) زیارتگاه زائران آن بانوی کریم و جلیل القدر می باشد.

فهرست منابع:

قرآن کریم

غرر الحکم و درر الکلم (۱۴۱۰): قم، دار الکتب اسلامی

دیگر منابع به ترتیب حروف الفبا :

- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید ابن هبه الله، شرح النج البلاغه (۱۴۰۴ق) قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- ابن حجر عسقلانی، شهاب، لسان المیزان (۱۳۹۰ ق) بیروت: موسسه الاعلمی مطبوعات
- ابن شهر آشوب، محمد، معالم العلماء (۱۳۸۰ق) نجف: حیدریه
- افندی اصبهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلا (۱۴۰۱ قمری) قم: خیام
- امین، حسن، اعیان الشیعه (۱۴۰۳) بیروت: دارالتعارف المطبوعات
- جلالی شاهرودی، حسین، وفيات العلماء (۱۴۰۰ق) مشهد: چاپخانه خراسان
- حر عاملی، محمد ابن الحسن، اثبات الهداء بانصوص والمعجزات (۱۳۶۴ش) تهران: دار الکتب اسلامی
- حر عاملی، محمد بن الحسن، امل الامال (۱۳۸۵ق) نجف: الاداب
- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن (۱۴۳۰) بی جا: موسسه الخویی الاسلامیه
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا) (۱۳۹۱ش) تهران: سازمان کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- دوانی، علی، مفاخر اسلام (۱۳۶۳) تهران: امیر کبیر
- زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفات (بی تا) بی جا: دار الفکر
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت (۱۳۶۴) قم: کمرکز تبلیغات اسلامی
- سید ابن طاوس، علی، کشف المحججه لثمره المهجه (۱۳۷۵ ش) قم: مرکز نشر
- سیوطی، ابوبکر، التقان (۱۳۹۸ق) بیروت: دار المعرفه
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن (۱۴۰۳ق) بیروت: موسسه الاعلمی مطبوعات
- طهرانی آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه (بی تا) بیروت: دار الاضواء
- طهرانی، آغابزرگ، طبقات اعلام الشیعه (۱۳۹۲ ق)، بیروت: دار الکتب عربی
 - توضیح: این کتاب شماره جلد نداشت و در متن هر جا شماره جلد شش معرفی شده منظور جلدی است که مربوط میشود به قرن ششم

- قاضى عبدالجبار، المغنى (١٣٨٥ ق) قاهره:الدار المصرىة التاليف و الترجمه
- قطب الدين راوندى، سعيد، الخرائج والجرائح (١٤٠٩ ق)، قم: موسسه امام مهدي عيج الله فرجه
- قطب الدين راوندى، سعيد، منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه (١٤٠٦ ق)، قم:خيام
- قمى، عباس، الكنى والقاب (١٤٢٥): قم/موسسه نشر اسلامى
- مجلسى، محمد باقر، بحار النوار (١٤٢٩) لبنان ، بيروت :موسسه الاعلمى المطبوعات
- موسى خوانسارى، محمد با، روضات الجنات (١٣٩١ ق)، قم: مهر استوار
- نورى الطبرسى، حسين ، مستدرک الوسائل (١٤٠٧): مشهد، سعيد